

# گونه‌های نمایشی در عصر رنسانس

پروین کوثری

## مقدمه

### پیدایش نمایش در عصر رنسانس - ایتالیا

رنسانس عصر نوآوری در زمینه‌های مختلف است و آغاز تئاتر مدرن را به حق می‌توان در این دوره دانست. این تمدن تئاتری در تمام اروپا بسط و گسترش می‌یابد و طی یک قرن، باعث شکوفایی تئاتر البیزابتی انگلیس، عصر طلایی فرانسه (Grand siècle) و اسپانیا (siglo de Oro) می‌شود. تئاتری که تمام اجزای آن مستقل و مشخص‌اند و رابطه‌ای اساسی و ضروری بین بازیگران و تماشاگران خود به وجود می‌آورد و در همه شاخه‌ها توفیق بسیاری همراه با آن است.

در همین عصر است که نمایش متحول می‌شود و تغییر جهت می‌دهد. نمایش‌نامه‌هایی نوشته می‌شوند با مضمون کمدی، تراژدی، تراژدی کمدی، نمایش‌نامه‌های شبانی و ملودرام که تأثیری مشخص بر نمایش‌نامه‌های اروپایی همین قرن و قرن‌های بعدی دارند.

دوره رنسانس نه تنها نشانگر شکوفایی تئاتر گفتاری است (Teatro di Parola)، بلکه آغاز پدیده منحصراً به فرد دیگری است به نام کمدیا دلارته که بیش از دو قرن تا اواسط سده سال‌های ۱۷۰۰ تداوم می‌یابد، تا هنگامی که کارلو گلدونی Carlo Goldoni مشهور به «مولیر ایتالیا» این میسر را بعد از مشکلات و درگیری‌های فراوان تغییر می‌دهد و تئاتری جدیدتر و متفاوت‌تر نسبت به تئاتر کلاسیک به وجود می‌آورد.

گونه‌های نمایشی در...

در حقیقت روندی که باعث شروع تئاتر رنسانس و گسترش آن می‌شود طولانی و همه‌جانبه است و ریشه‌هایی بسیار قوی از فرهنگ اومانیستی قرن ۱۵ در آن دیده می‌شود. بنابراین خیلی

پیش‌تر از آن که قرون وسطی در اواخر سده پانزدهم به پایان‌حیاتش نزدیک شود، عقاید و آرمان‌هایی ظهور کرده بودند که بعدها به نام رنسانس یا به عبارتی «کشف جهان و انسان» شناخته شدند. در واقع اواخر قرون وسطی و اوایل رنسانس با هم حیاتی مشترک داشته‌اند و در طول یک سده تحقق‌گذرثاتر از دنیای قرون وسطی به دنیای مدرن اتفاق افتاد. اما این گذر یک باره و ناگهانی نبود. هر چند رنسانس در زمینه هنرهای نمایشی، مفهوم جدیدی ارائه داد، اما با این همه اغلب‌کنندو کاوها بر اساس تجربه‌های قرون وسطایی بود. در واقع تئاتر مدرن در ایتالیا که در آن دوره در زمینه‌های مهمی مانند ادبیات مدرن و تئاتر، پیشگام بود، با دو گرایش آغاز شد که غالباً در آن هنگام با یکدیگر در تقابل بودند: کندوکاو در گذشته و جهت دادن به آینده. عصر نوزایی با فرهنگ و آرمان کلاسیک پیوند خورد و نمایش‌نامه‌های اروپایی بازتابی شد از دل‌بستگی و رقابت با نمایش‌نامه‌های رومی و یونانی. گرایش دوباره به تمدن دوره باستان، توجه به متون قدیم و تحقیق در آثار ادبی هنری. و ایتالیا نخستین کشوری بود که نمایش‌نامه‌نویسان و منتقدانش با مطرح کردن آرمان‌های کلاسیک در نوشته‌هایشان به خلق آثاری بدیع و نو پرداختند.

### انواع نمایش این دوره

نمایش‌نامه‌های ایتالیایی را در عصر رنسانس معمولاً به دو دسته تقسیم می‌کنند: «رسمی» و «عامیانه». نمایش‌نامه‌های رسمی در واقع انواع گوناگونی بود از ترجمه‌های آثار یونانی و لاتین تا کمدی و تراژدی عامیانه و آثاری به زبان ایتالیایی (غیر لاتین) که عبارت بودند از تراژدی (Tragedia)، کمدی (Commedia) و نمایش‌نامه‌های شَبانی (Pastorale).

#### ۱. تراژدی

در این دوره در زمینه تراژدی هیچ اثر واقعاً بزرگی پدید نیامد. بیشتر تراژدی‌نویسان، نمایش‌نامه‌های سنکا (Seneca) استاد تراژدی رومی را سرمشق خود قرار می‌دادند. طرح نمایش‌نامه‌ها اغلب سست و کم‌مایه و ملودرام بود. آثاری بی‌روح و فاقد کشش حرکات نمایشی. غالباً نگون‌بختی و عدم اقبال را تصویر می‌کرد. آثار تراژدی در ایتالیا برخلاف کمدی و کمدی شَبانی (Commedia Pastorale)، بیشتر فرمی ادبی بود (البته به استثنای آثار جانبی‌تایستا گوارینی) و تعداد نمایش‌نامه‌های اجرا شده نیز بسیار کم بود.

این گونه نمایش‌نامه‌ها به «تراژدی عالمانه و درباری» مشهور بودند: (Tragedia erudita) با این وجود تراژدی ایتالیایی، چه از نقطه نظر ساختار صحنه (یعنی نمایش در پنج پرده) و چه از نظر متن بر فرهنگ تئاتری اروپا تأثیر بسزا داشته. در این زمینه با نام‌هایی روبه‌رو می‌شویم مانند تریسینو (Trissino) و تاسو (Tasso) نویسنده نمایش‌نامه شاه توریزموندو (Torrismondo Re).

در واقع سوفونیسبا (Sofonisba) نوشته تریسینو اولین تراژدی واقعی است که در سال ۱۵۱۵ به تقلید از تراژدی‌های یونانی نوشته شد و متن آن مورد علاقه بسیاری از خوانندگان فرهیخته و نازک‌اندیش آن دوره قرار گرفت.

هر چند «نوع» (genere) تراژدی در تئاتر چه از نظر فرم صحنه‌ای و چه سایر موارد در برابر



کارلو گلدونی

کمدی و کمدی شَبانی در حاشیه قرار گرفته، اما استثنایی نیز دیده می‌شود و آن اجرای نمایش شاه ادیب اثر سوفوکل (Sofocle) در شهر ویچنز است (Vicenza)، سال ۱۵۸۵، با ترجمه‌ای از جوستینیانی (Giustiniani) به کارگردانی آنجلو اینجی نیه‌ری (Angelo Ingegneri) که بسیار موفق است. اهمیت این اجرا و شهرتش بیشتر به دلیل ساختن تماشاخانه‌ای است مخصوص آن، آن‌هم زیر نظر و با طراحی یکی از بزرگترین طراحان و معماران عصر رنسانس، یعنی آندرا پالادیو (Paladio Andera). تماشاخانه‌ای که به دلیل نبوغ سازنده‌اش، پس از آن نه تنها نقطه عطفی برای هنر معماری بعدی شد بلکه نمادی شد از خلاقیت والای تئاتری عهده‌رنسانس.

در واقع معماری تماشاخانه‌ها (بنای تئاتر) و صحنه‌آرایی آنها در دوره رنسانس مهم‌ترین مبحث تاریخ‌نمایش در این دوره است.

برخلاف نوعی ساده‌گرایی که در اجرای نمایش‌های «کمدیا دلارته» وجود داشت، برای نمایش‌های رسمی یعنی

کمدی و تراژدی، تماشاخانه‌های باشکوه و پر زرق و برق ساخته شد و در زمینه صحنه‌آرایی از دکورهای نقاشی شده، نورپردازی داخلی و مهم‌تر از همه پرسپکتیو استفاده شد و صحنه تغییرات بسیار زیادی پیدا کرد. این ابداعات و نوآوری‌ها توسط هنرمندان ایتالیایی و با همت افرادی چون ویتروویو (Vitrovio)، معمار بزرگ رومی سرلیو (Serlio) انجام شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جامعه‌علوم انسانی

۲. تئاتر شَبانی یا پاستوراله (کمدی و درام)

نمایش‌های شَبانی که ریشه‌هایش در تئاتر روستایی (Rusticano) است در اصل در میانه سده شانزدهم پدیدار شد.

کمدی روستیکان که در اوایل همان قرن در ونیز به وجود آمده بود به فرهنگ اقشار پایین جامعه تعلق داشت و بیشتر جنبه‌های فولکلوریک و مردمی قرون وسطی را در نظر می‌گرفت. «کمدی شَبانی» زمانی به وجود آمد که کمدی روستایی دیگر همه حد و حدود و ابهام‌های نمایش ترکیبی (Misto) و نامتعیین (نامشخص) اش را آشکار کرده بود. اما درباره رونق «تئاتر شَبانی» باید گفت، اولین پاستوراله در سال ۱۴۷۱ نوشته شد و در اواخر سده شانزدهم با نمایش‌نامه بسیار موفق چوپان وفادار (Pastore fido)، از جانباتیستاگوارینی (Guarini Giambattista) به اوج خود رسید. آگوستینو بکاری در ۱۵۵۴ نمایش‌نامه «قربانی» را عرضه کرد که اغلب آن را نخستین نمایش‌نامه شَبانی کامل می‌دانند.

گونه‌های نمایشی در...

در نمایش‌نامه‌هایی این چنین، همیشه عشق محور پیچیدگی‌های حوادث و گره اصلی نمایش است که در روند ماجرا بر موانع بی‌شماری فایق می‌آید. در ساختمان نمایش‌های شبنانی، گره‌افکنی و گره‌گشایی به‌طور معمول به کمک تدابیری چون: همسان‌انگاری، شناسایی و جان‌سپین‌سازی یک شخص به جای فرد دیگر، صورت می‌پذیرد. صحنه‌آرایی روستایی و شخصیت‌های شبنان، عنصرهای اصلی این نمایش را تشکیل می‌دهند.

«چوپان وفادار» اثر با ارزش این دوره با الهام از منظومه آرکادیا اثر ساناتسارو تألیف شده بود. نمایش‌نامه‌زیرکانه و همه‌جانبه‌ای که بسیار مورد پسند عامه قرار گرفت و در فاصله سال‌های ۱۶۰۰ تا ۱۸۰۰، هشتادبار تجدید چاپ شد و خارج از ایتالیا نیز شهرتی فراوان یافت. مارلو و شکسپیر هم مستقیم یا غیر مستقیم مرهون آن هستند. این نمایش اولین بار در کارناوال شهر کرما (Crema) به سال ۱۵۹۶ اجرا شد و دو سال بعد در مانتوآ (Mantova)، اجرایی به یاد ماندنی به یادگار گذاشت و توفیق بسیاری یافت.

یکی دیگر از موفق‌ترین نمایش‌نامه‌های شبنانی، آمینتا (Aminta) نوشته تورکوآتو تاسو (Tasso Torquato)، شاعر، نمایش‌نامه‌نویس و حماسه‌سرای معروف آن دوران است که در تراژدی هم از او نام بردیم. اثری که نه فقط شاهکار تئاتر منظوم (Poesia Teatrale) همه دوران‌هاست بلکه از نظر اجرای نمایشی و انتشاراتی نیز بسیار خوش اقبال است و تأثیر فراوانی بر نمایش‌نامه‌های اروپایی و ملودرام‌های قرن ۱۷ بر جا گذاشته.

تاسو، در این اثر میان دنیای شبنانی و جامعه درباری تعادل و هماهنگی به وجود می‌آورد. نمایشی با طرحی ساده و رومانیک، اما سرشار از زیبایی و لطافت شاعرانه که هنوز هم گیرا و خواندنی است. نمایشی که در شهر فرارا (Ferrara)، پایتخت تئاتری ایتالیا و محفل هنرمندانش در آن دوره، اجراهایی بسیار موفق داشته.

### ۳. کمدی

از لحاظ تاریخی، دومین شکل اصلی نمایش «کمدی» است که دارای لحنی است روشن و ساده و پایانی خوش که آن را از نوع تراژدی جدا می‌کند. در عصر نوزایی، نگرش انتقادی، این شیوه را چهره شاد تراژدی می‌شمرد. شخصیت‌های کمدی، شخصیت‌های قشرهای میانه یا طبقه فرودست بودند؛ رویدادهایش خنده‌آور و بیانش، گفت و گویی غیر ادبی یا محاوره‌ای بود با پایانی خوش.

موضوع اصلی درام مسیحیت در قرون وسطی رستگاری روح یا روان بود. اما موضوع تئاتر رنسانس در همه زمینه‌ها، جز تراژدی، «عشق» بود که در نمایش‌های شبنانی خود را به شکل ناسازگاری زن و در کمدی به شکل ضدیت با خست پیران نشان می‌داد.

در این زمان مضمون همیشگی کمدی، مشاجره و درگیری جوان‌ها و پیرهاست به خاطر عشق. در مقایسه با تراژدی، کمدی پخته‌تر بود. سه شکل مهم و متداول آن عبارت بودند از:

الف. کمدی رفتارها یا عالمانه (comedy of manners = commedia erudita)

ب. فارس (Farsa) کمدی سبک

پ. کمدیا دلارته - فی البداهه (Commedia dell'Arte all'Improviso)

فصلنامه هنر شماره پنجاه و دو

الف. کمدی رفتارها:

این «نوع» تقلیدی است از نمایش‌نامه‌های پلاتو (Plauto) شاعر و کمدی‌نویس رومی و ترنسیو (Terenzio) و حال و هوای آثار آنان را دارد. کمدی‌های مهم آن زمان را می‌توان این چنین نام برد: ماندراگولا یا معادل فارسی آن مهره گیاه (La Mandragola) نوشته نیکولو ماکیاولی، حدود سال ۱۵۱۲. این نوشته با دیگر کمدی‌ها تفاوت عمده‌ای داشت که دست آخر راجع به آن صحبت می‌کنیم. آثار دیگر عبارتند از: کالاندریا (Calandria) اثر برناردو دوویتی (Bernardo Dovizi) که دارای همان مضمون کمدی اشتباهات شکسپیر است. بانوی درباری (Cortiglana) اثر آرمینتو (Arminio) که هجوی است از جامعه درباری کاستیلونه.

ب. فارس (Farsa) یا کمدی سبک:

«فارس» نوع دیگری از کمدی است که نمایش‌نامه‌ای است سبک یا ترکیبی جدی. خنده‌آور و غیر هنری و در تمام نقاط ایتالیا به زبان محلی به نمایش در می‌آمد. (زیرا زبان ایتالیایی در آن دوره زبان محاوره روزمره نبود.) در آغاز، نمایشی بود کوتاه و نمکین که در اصل به صورت نمایش‌نامه جدی رمزآمیزی عرضه می‌شد که تأثیر مضحکه (Comico) داشته، آنگاه شکلی مستقل پیدا کرده. شوخی‌های «فارس» صریح و زمخت‌اند، در آغاز شخصیت‌ها، دهاتی‌های خشن یا لودگان بودند. در «فارس»‌های بعدی، تیپ‌ها (از قبیل سرباز لاف‌زن و آدم فضل‌فروش) جای شخصیت‌ها را می‌گیرند. مشهورترین نمایش‌نامه‌نویسی که به نوشتن نخستین «فارس»‌های ایتالیایی در این دوره می‌پردازد جوانی ماریا چککی (Cecchi Giovanni Maria) متولد ۱۵۱۸ است.

پ. کمدیا دلارته - فی‌البداهه:

در دوره رنسانس، مهم‌ترین واقعه نمایشی ایتالیا که از لحاظ تاریخی و از نظر دامنه نفوذ برترین شکل کمدی است، ابداع نوعی نمایش یگانه، با عنوان «کمدیا دلارته» است. نمایشی که سنت آن به قبل از این دوره می‌رسد و در نمایش‌های میم (Mimo) روم باستان، کمدی‌های یونانی و کمدی‌های پلاتو و ترنتزیو وجود داشته، اما در دوره رنسانس با تحولی که می‌یابد به عنوان مهم‌ترین پدیده نمایشی و محبوب‌ترین نوع نمایش عامیانه پا به میدان می‌گذارد. این نوع کمدی، نمایشی بود سرگرم‌کننده و مورد توجه عام که می‌توان آن را شکل تکامل یافته مناسب‌بدوی دانست که در عصر رنسانس ایتالیا اشاعه یافت و برای نخستین بار در سده پانزدهم به وسیله لورنز دمه‌دیچی (Lorenzo De Medici 1369 - 1464) حاکم فی‌رنزه (فلورانس Firenze) در دربار، برای سرگرمی مهمانانش به نمایش درآمد.

کمدیا دلارته نمایشی است که با استفاده از تیپ‌های مشخص و موقعیت‌های خنده‌آور به وجود آمده و بازیگران آن بیشتر در صحنه، بدیهه می‌آفرینند. طرح نمایش‌نامه معمولاً از منابع گوناگون، مثل نمایش‌نامه‌های قدیمی، رویدادهای روزانه و قصه‌ها اقتباس شده.

از ویژگی‌های اصیل این نوع نمایش، بهره‌گیری تدریجی است از شخصیت‌هایی با خصایص

گونه‌های نمایشی در...

مضحک ایتالیای عصر جدید که به جای شخصیت‌های قراردادی کمدی‌های قدیمی به صحنه می‌آیند و «کمدین‌ها» نقاب‌هایی به چهره می‌زدند که بیانگر خلق و خوی و طینت آنها بود. کمدیا دلارته بر شکسپیر، جانسن و مولیر نیز تأثیر گذاشت.

این نوع نمایش‌ها بنا به طبیعت نمایشی‌شان، وابسته به مکان خاصی برای اجرا نبودند و به صحنه‌آرایی هم‌احتیاج اندکی داشتند، و به‌طور معمول روی سکوهایی اجرا می‌شدند که موقتی بود و تنها به مناسبت اجرای نمایش در بازارچه‌ها، میدان‌ها و راهروهای خانه‌های بزرگ بر پا می‌شدند و به عنوان دکور فقط پرده‌ای نقاشی شده در انتهای سکو داشتند، آن هم معمولاً از یک خیابان، یا یک درخت یا یک نقاشی ساده. از وسایل زیادی روی صحنه استفاده نمی‌شد. همین‌طور از تجهیزات نوری. برای ایجاد اثرات صوتی و موسیقی در طول نمایش، از گیتار یکی از بازیگران استفاده می‌شد.

از شخصیت‌های محبوب کمدیا دلارته: اول از همه پانتالونه (Pantalone) است. نمونه پدر و آدمی تاجر مسلک؛ دومی آرلکینو (Arlecchino) و سومی کولومبینا (Colombina) که دختری است شوخ.

#### ۴. اپرا

اپرا یکی دیگر از اشکال نمایشی است که در عهد رنسانس در ایتالیا پا به عرصه گذاشت. می‌دانیم که خواندن سرودها به آواز، و گفتارها به آهنگ ساده و کشیده، در تعزیه‌های مسیحی قرون وسطی معمول بوده. بر همین اساس پولیتزیانو (polidiano) یک شعر نمایشی به نام افسانه اُرفئو (Orfeo) بر اساس موسیقی می‌نویسد.

این اولین اثر بدیع به زبان ایتالیایی است که نه کمدی است و نه تراژدی. این موضوع گروه شاعران و موسیقی‌دانانی را که در شهر «فی‌رنزه» گرد آمده بودند تا با مطالعه آثار کلاسیک امکانات ایجاد یک هنر نورا ارزیابی کنند، وامی‌دارد تا ارزش‌های موسیقایی (Musical) نمایش‌های کلاسیک را مورد بررسی قرار دهند.

اعضای این گروه با مطالعه آثار نمایشی یونان باستان به این نتیجه رسیدند که شخصیت‌های نمایش‌های یونانی، موسیقایی بوده و گفت و گوها (dialoghi) نیز قابلیت خواندن به آواز یا دکلمه شدن را داشتند.

این کشف، آنها را به خلق نوعی «درام موزیکال» راهنمایی کرد و به دنبال آن «اپرای دافنه» نوشته شد. نویسنده آن رینو چینی (Rinuccini) بود و موسیقی آن نیز توسط پری (Peri) ساخته شد و در سال ۱۵۹۷ به صحنه رفت و به عنوان نخستین اثر اپرایی به ثبت رسید.

بدین ترتیب، اپرا، نمایشی است که در آن موسیقی مقام اول را دارد و آواز، زبان نمایشی آن است و این نوع در دوره طلایی رنسانس، در ایتالیا، ابداع شده. پدیده جدید نبوغ ایتالیایی، مکارز ۱۶۰۰، در یک مجمع آکادمیک در «فی‌رنزه» تدارک دیده شده بود و به دست مونته‌وردی (Monteverdi) به مرحله اجرا درآمد که سرگرمی و تفریح شاهانه‌ای را بارور ساخت که بیشتر با عنوان شعبه‌ای از ادبیات باقی ماند تا پدیده‌ای موسیقایی.

اپرا از «فی‌رنزه» به رم، سپس ونیز و ناپل رفت و آرام آرام سادگی اولیه روشنفکرانه‌اش را از

دست داد، اما به شکوه و عظمت ارکسترال فوق‌العاده‌ای دست یافت.  
دنیای اسطوره‌ای «میان پرده‌ها»، استعاره‌ها و افسانه‌ها، تأثیرگذاری ترازدی و کمدی، همه تبدیل به جوهر اپرا و منشأ دخل و تصرفاتی شد فوق طبیعی که باعث فراهم ساختن موفقیت‌های آن نیز شدند.

روزی که این تئاتر غنایی (Teatro Lirico) از مجامع بسته دربارها و مدارس عالی، از تالارهای کاخ‌ها بیرون آمد و با آنها قطع رابطه کرد و در جمهوری ونیز تبدیل شد به اپرای عمومی، در واقع «تماشاخانه طبقاتی» به وجود آمد. این به معنی پیدایش نوعی سالن تازه مختص اپرا بود. مکانی که تماشاگران برای ورود به آن باید ورودیه می‌پرداختند. به این ترتیب رده‌بندی‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفت و طرح ردیف لژ در بالای سالن‌ها پیش‌بینی شد. اما سرانجام تبدیل شد به سالنی برای همه «نوع‌های» نمایشی و هم‌چنین ساختارفضای تئاتری جدید اروپا.

### تداوم تئاتر در رنسانس و اعتلای کمدی رسمی

ماکیاولی (Macchiavelli)

بعد از کمدی «جعبه جواهرات» آریوستو، قدم بعدی را در راه اعتلای کمدی رسمی آن عصر، نیکولوماکیاولی (۱۵۲۷-۱۴۶۹) با نمایش‌نامه «مهر گیاه» (Mandragola ماندراگولا) برمی‌دارد. این اثر یکی از مهم‌ترین کمدی‌های قرن ۱۶ و نمایش‌نامه‌ای ماندگار برای تمام دوران‌هاست.

ماکیاولی متفکری است سیاسی. هم مورخ است و هم نمایش‌نامه‌نویس. در «فی رنزه» به دنیا آمد، در رشته علوم انسانی تحصیل کرد و سپس در دربار مه دیچی (خاندان قدرتمند و سیاستمدار آن زمان) به تنظیم و تهیه برنامه اصلاحات سیاسی «فی رنزه» و نوشتن تاریخ پرداخت. ماکیاولی مانند بیشتر نویسندگان اواخر رنسانس، در زمینه‌های گوناگون طبع آزمایی کرده است. علاوه بر مطالعات نظامی و کتابی در تاریخ، چندین نمایش‌نامه نوشت که یکی از آنها همین «مهر گیاه» است که بهترین نمونه نمایش‌نامه کمدی عصر رنسانس به‌شمار می‌رود.

اصولاً سبک نوشتاری و نثر ماکیاولی در همه آثارش روشن، صریح، گیرا و به کلی عاری از آرایش‌های بدیمی است. به خصوص در «مهر گیاه» که زبان آن بسیار شیوا، زنده و تأثیرگذار است و دارای نوآوری‌هایی است که هیچ‌گاه در دیگر نمایش‌نامه‌های ایتالیایی دیده نشده، حتی درام‌نگاری‌های آنجلو به‌الکو (Beolco) معروف به روتزنته (Ruzante) کمدی‌نویس و بازیگر معروف پادوایی (Padovano)، البته بعدها «گولدونی» کمدی‌نویس اواخر رنسانس، موفق شد در زمینه دیگری یعنی کمدی‌دلارته بدعت‌هایی در حد ماکیاولی به وجود آورد. نام آن را از فی‌البداهه به «کمدی کاراکتر» تغییر دهد که بر اساس «کاراکترهای واقعی» روزمره بود.

«مهر گیاه» فقط حاصل ابتکار و نوآوری شگفت‌انگیز زبانی نبود، بلکه کمدی‌ای بود با سبک و روشی کاملاً متفاوت از کمدی‌های دیگر که تقلید و تأثیری بود از آثار پلاتو، ترنسیو و بوکاچو (G. Boccaccio). اجرایی از واقعیت شخصیت‌ها (نه تیپ‌های سنت‌های کلاسیکی).

گونه‌های نمایشی در...

موضوع این کمدی که دارای طنزی برنده است، داستان زنی است مزدوج. تاریخ اولین اجرای آن دقیقاً مشخص نیست، اما در سال ۱۵۲۶، و سال‌های بعد از آن، در ونیز، اجراهای



متعددی از آن به صحنه رفت و موفقیت‌های بسیاری به دست آورد. به خصوص به هنر کارناوال سال ۱۵۲۶ که نمایشی هم از پلاتو روی صحنه بود و اجرای موفقیت‌آمیز «ماندراگو باعث رکود نمایش پلاتو شد.

«ماندراگولا» در نوع خود اثری است خاص و یگانه. در شیوه داستان‌گویی دارای تنوع فراوان و همین‌طور دارای کاربردهای متعدد و گوناگون در سطح ادبی است. اگر با دقت خوانده شود می‌توان مفهوم آن را مانند آینه‌ای دانست که بازتابی است روشن از حقایق وجودی و افکار فلسفه زندگی ماکیاولی.

### نتیجه‌گیری

در پایان به این نتیجه می‌رسیم که: رنسانس نخست در ایتالیا ریشه داد و جوانه زد. امکان آموزش صنعت و هنر، به خاطر رشد تجارت و ثروت، کاهش نفوذ کلیسا و حمایت هنردوستان مناطق مختلف ایتالیا از نویسندگان و هنرمندان، موجب شکوفایی جهان‌شمول آن شد. مرموزی چون لئوناردو داوینچی، میکلا آنجلو، رافائل در این عصر به شهرت جهان‌گستر رسیدند.

در این دوره هم‌چنین نوعی تئاتر مدرن آغاز شد که در زمینه صحنه‌آرایی حاصل آن تغییر زیادی بود و نقاشان و معماران دست به خلق آثاری زدند از هر نظر نو و بدیع. برای اولین نمایش‌نامه‌هایی به زبان غیرلاتین یعنی عامیانه (volgare) نوشته شدند که از لحاظ ادبی نمایشی بسیار قابل توجه‌اند.

پیدایش فرهنگ اومانیسم، تأثیر نمایش‌نامه‌های ایتالیایی بر اروپای قرون مربوطه و برخی از آنها بر بزرگان اروپا مثل شکسپیر، جانسن و مولیر و در پایان پیدایش اپرا از دیگر مهمین دوره است.

ria del Teatro d' Amico  
ia del teatro Giovanni Niouci

منابع: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
۳ - تاریخ ادبیات جهان، باکتو تراویک





شرو، شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی